حکم شارع به کفایت عدد پنجاه به جهت رفع نزاع بین مسلمین در رؤیت هلال در هوای صاف

با بیانی که دیروز من عرض کردم، روایت این است: وقتی مظنه اختلاف است که بلد السلام قرار است در روزه گرفتن اختلاف کنند و تعظیم شعار شهر مبارک و تعظیم شعار صوم صورت نگیرد، اینجا شارع مثل همین عدد را اعمال میکند. میگوید الآن اختلاف کردند، آنها میگویند چطور شد ما دیدیم ولی آنها ندیدند؟! آنها میگویند ما که ندیدیم، اینها دروغ میگویند و میخواهند عید بکنند. وقتی در قطر ای صوم اختلاف بیاید، شارع میگوید اگر با دو شاهد عادل شد، به مقصود رسیدهایم، اما اگر نشد و گروهها مفصل شد. یعنی طوری است که دو شاهد را تخطئه میکنند، آنهایی که مخالف رؤیت هستند با این عدد کم مقابله میکنند، در اینجا برای اینکه از یک بلد رفع اختلاف بشود، بلدی که طرفینی که اختلاف میکنند حجم بزرگی دارند، لذا در اینجا عدد پنجاه را بهعنوان ضابطه ای قرار میدهد تا بعد اگر کسی خواست دهن باز کند و تخطئه کند، متشرعه به او بگویند داری روی حرف شارع حرف میزنی. و لذا وقتی چهل و نه تا شد، آنها حرف میزنند و میگویند ببین پنجاه نشد! لذا شارع هم میگوید اگر چهل و نه شد، فردا را روزه نگیرید. چرا؟ چون من مدافع آن نظم هستم. مدافع آن اتحاد همه مسلمین در شروع ماه مبارک هستم. اگر چهل و نه تا شد، اختلاف شما به کجا ختم میشود؟ چون چهل و نه تا هستند، روزه نگیرید. حالا وقتی پنجاه تا شد، دیگر کسی حق ندارد حرف بزند. تمام شد. پنجاه تا عدد کامل میشود و به استناد تعیین شارع دیگر طرفین حق ندارند حرف بزنند. اینجا میبینید این روایت با همین عدد پنجاه بهخوبی معنا میشود. بدون اینکه معنای آن، «اذا لم یکن فی السماء علة» حتماً باید تعبدا پنجاه تا باشد. اینهایی که صاحب جواهر فرمودند به گمانم مثل آفتاب است.

فرمودند: **«لا لبیان عدم الاجتزاء بالشاهدین العدلین الذین قد اکتفی الشارع بهما فی جمیع الموضوعات»**؛ همین است. اصلاً وقتی به مسلمانان بینه میگویند ذهنشان سراغ دو شاهد عادل میرود. مهمترین امور مانند قتل، تا بینه میگویند، میگویند دو شاهد عادل است. ما بگوییم نه، آن هم با دو روایت؛ بگوییم وقتی هوا صاف است دو شاهد عادل هیچ. میفرمایند: «ما هو أعظم من رؤیة الهلال بمرات بکثیر»؛ با دو تا کفایت شده، اما در اینجا نمیشود؟!

اینها را نگاه کنید. روایات یکی و دو تا نیست. اصلاً در خصوص رؤیت هلال، مفصل آمده که «لااجزی الا شهادة عدلین». یعنی در خصوص رؤیت هلال این همه روایات در مورد شهادت عدلین داریم. آن وقت با این دو روایتی که پنجاه تا را میگوید آنها را تاویل میکنند. آن برای قضا است و آن برای ... ! درحالیکه این روایات به این صورت نیست. اصل خود بینه جزء واضحات است. لذا حرفی که محقق

فرموده‌اند حرف خوبی بود. فرمودند:

> **و أجاب عنهما المحقق في المعتبر بان اشتراط الخمسين لم يوجد في حكم سوى قسامة الدم ثم لا يفيد اليقين بل قوة الظن و هي تحصل بشهادة العدلين. ثم قال: و بالجملة فإنه مخالف لما عليه عمل المسلمين كافة فكان ساقطا. انتهی[1]**

البته این استدلال ایشان «لم یوجد فی حکم سوی قسامة الدم» خیلی سر نمی‌رسد. قسامه الدم برای بینات و أیمان در حقوق الناس است. نمی‌توانید بگویید چون در حقوق الناس فضای مدعی و منکر است، یعنی شهادات حسبی نیست، در آن فضا حرف محقق قبول است. «قسامة لم یوجد الا فی الدم»؛ یعنی وقتی فضا، فضای مدعی و منکر است، ما هیچ کجا در فضای مدعی و منکر قسامه نداریم. البینة ثم الیمین علی المنکر، و خلاص. الا فی الدم. اما این قیاس مع الفارق است. اینجا که مدعی و منکر نداریم. در اینجا رؤیت هلال است. شهادت علی الحسبه است. حقوق الله است. بنابراین فرمایش ایشان نقضی برای حرف آنها نمی‌شود.

---

[1] همان ۲۵۴

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 13:00:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 13:02:03 توسط ... .